

دانش آموزان و گزینش اطلاعات

دکتر فاطمه سلطانی، مدرس روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد رودهن

در دنیای امروز، گسترش بی‌سابقه آموزش و پرورش در سراسر جهان پدیده‌ای انکارناپذیر است. طی ۱۵ سال تعداد دانش‌آموزان جهان بیش از ۷۰ درصد، تعداد معلمان بیش از ۱۰۰ درصد و تعداد بزرگ‌سالانی که می‌توانند بخوانند و بنویسند، بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است. جهانیان امروز دریافته‌اند که آموزش و پرورش نمی‌تواند و نباید از واقعیت‌های زندگی دور بماند. در نتیجه، در همه برنامه‌های آموزش علوم، در کشورهای پیشرفته دگرگونی‌های علمی بیشتری توصیف و به کار گرفته شدند. رسانه‌های گروهی و ارتباطات جمعی نیز به مسائل آموزش و پرورش پرداخته و به تدریج به خدمت رشد اقتصادی و اجتماعی درآمدند. در واقع، نوعی آموزش غیرمدرسه‌ای هم به وجود آمد. همگانی شدن دسترسی به آموزش و پرورش و افزایش

«همه ما هنگام رانندگی در سفرهای درون و بیرون شهری، از تونل‌هایی عبور می‌کنیم که قبل از ورود به آن‌ها بر تابلویی نوشته شده است: «لطفاً چراغ‌های خودرو را روشن کنید.» چراغ‌های تونل‌ها روز و شب روشن‌اند و نور کافی دارند. پس چرا با وجود تونل‌های روشن، پلیس اصرار بر روشن بودن چراغ خودروها دارد و چرا بسیاری از ما این امور را رعایت نمی‌کنیم؟ تصور کنید یک لحظه برق تونل خاموش شود! به‌طور خودکار پای ما پدال ترمز را خواهد فشرد! در چنین شرایطی، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ همه هزینه‌ها و توجهات و اصرار بر رعایت مقررات برای همان یک لحظه کوتاه است. در زندگی از این لحظه‌های کوتاه بسیار اتفاق می‌افتد که بایستی مراقب آن‌ها باشیم» (تورانی، ۱۳۹۷).

اصرار بر آگاهی دانش‌آموزان و آمادگی آنان برای مواجهه با آنچه در عصر انفجار اطلاعات پیش‌روی آنان است، دقیقاً مانند مثال بالاست. نظام آموزشی بایستی دانش‌آموزان را به گونه‌ای آموزش دهد که آگاه، هشیار و نقاد باشند و در تاریکی‌ها و ناشناخته‌های مسیر زندگی دچار حادثه و گمراهی نشوند. آموزش و پرورش به معنای امروزی آن، بهره‌گیری درست و به‌هنگام از علوم و فناوری‌های جدید و استفاده مناسب از رسانه‌ای همگانی است؛ چرا که امروزه آموزش تنها به مدرسه و کلاس درس محدود نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: نظام آموزشی، یادگیری خودراهبر، سواد اطلاعاتی



برابری‌ها، تمرکز بر یادگیری، گسترش مفهوم و دامنه آموزش‌یافته، پربار کردن محیط برای یادگیری، تقویت مشارکت‌ها، گسترش تدابیر و پشتیبانی و تجهیز منابع همگی ره‌آورد این دنیای جدید بود (شجاع‌رضوی، ۱۳۷۱).

آموزش و پرورش نوین به معنای یادگرفتن در زندگی و از زندگی، و نیز فهم جهان در حال تغییر است. آموزش و پرورش یعنی یادگیری یادگیری. براساس این اصل، نظام‌های آموزشی باید بهره‌گیری از علوم و فناوری‌های جدید، یعنی یاری جستن از آن‌ها برای رویارویی با مهم‌ترین چالش‌هایی که در آینده گریبان‌گیر بشریت می‌شوند، را آموزش دهند. درهم آمیختن علم با خرد دشوارترین رسالتی است که انسان آینده بر دوش خواهد داشت. حضور رسانه‌های همگانی امروز لزوم درگیر شدن خلاق در ارتباطاتی را نشان می‌دهد که ابعاد جهانی دارند و جوامع، خواسته یا ناخواسته، به درون آن پرتاب شده‌اند (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹). سازگاری با تغییر، درک نقش آموزش و پرورش، تغییر در شیوه یادگیری، توجه به اهداف آموزش و پرورش نوین، اهمیت دادن به نقش معلم و دانش‌آموز، انتخاب شیوه‌های بهتر در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، توجه به انگیزه‌ها و ارج نهادن به ارزش‌های اخلاقی و معنوی، از جمله این تحولات است. یادگیری کلید ارتقای کیفیت منابع انسانی است و این کلید زمانی گره‌گشااست که آموزش مجموعه‌ای از فرایندها باشد. فرایندهایی که نه تنها مهارت‌های حرفه‌ای را شکل می‌دهند بلکه فرد را قادر می‌سازند که استعداد‌های بالقوه خود را برای مشارکت هوشمندانه و پذیرش مسئولیت شکوفا کند.

امروزه نظم آموزشی گرفتار معضل فراوانی اطلاعات

پیش‌روی دانش‌آموزان است. برای رویارویی با این هجمه اطلاعات چگونه دانش‌آموزانی باید داشته باشیم؟ دانش‌آموزانی که به‌سواد اطلاعاتی مجهز باشند و شیوه تفکر تحلیلی و انتقادی را آموخته باشند. امروز چاره‌ای نداریم جز اینکه این پدیده جدید را به فرصتی برای پرورش خلاقیت‌ها تبدیل کنیم. سواد اطلاعاتی یعنی چه؟ سواد اطلاعاتی شامل شناخت نیاز اطلاعاتی خود، مهارت تشخیص، مکان‌یابی، سازماندهی، ارزیابی و استفاده مؤثر در جامعه اطلاعاتی و نیز پیش زمینه یادگیری مادام‌العمر به شمار می‌آید. سواد اطلاعاتی امکان نیاز خودآموزی و خود راهبری را فراهم می‌کند و با ارتقای توانمندی‌های افراد، به آنان قدرت تصمیم‌گیری و استقلال در جست‌وجوی حقیقت را می‌دهد (منصوری، ۱۳۹۰). اما آنچه می‌تواند مهم‌ترین سنگ بنای سواد اطلاعاتی به شمار آید، پرورش تفکر تحلیلی و انتقادی است. ما از دانش‌آموزان توقع داریم که در برخورد با بمباران اطلاعاتی توان تشخیص داشته باشند و سره را از ناسره تمیز دهند اما آیا قبلاً آن‌ها را به این سلاح مجهز کرده‌ایم؟ شیوه تفکر تحلیلی و انتقادی از مهم‌ترین ابزارهای تشخیصی برای دانش‌آموزان است. وقتی ما قبلاً روش نقد و نقادی را به آنان نیاموخته‌ایم، چگونه انتظار داریم که در این دنیای اطلاعات رنگارنگ سردرگم نباشند و قدرت تشخیص داشته باشند؟ تفکر انتقادی شیوه‌ای از تفکر است که به شک درباره ماهیت وجود و عناصر و پدیده‌های ناشناخته می‌پردازد، آن‌ها را با دانسته‌های خود مقایسه می‌نماید، سرانجام، نتیجه‌گیری می‌کند. دانسته‌ها و شواهد کمک می‌کنند که منطق شکل بگیرد و بر آن اساس، پاسخ لازم برای هر سؤال به دست آید. در تفکر تحلیلی نیز برای درک و فهم مطلب باید مفاهیم گام‌به‌گام تجزیه و تحلیل شوند و رابطه بین کل و جزء مشخص گردد. با این روش، درک مفهوم براساس فکر کردن صورت می‌گیرد و درک مفاهیم بعدی آسان‌تر می‌شود. دانش‌آموزان ما باید با شیوه‌های تفکر تحلیلی و انتقادی آشنا شوند تا

بتوانند به‌سواد اطلاعاتی دست یابند، برای زندگی در جامعه اطلاعاتی مجهز باشند، به یادگیرندگان مادام‌العمر تبدیل شوند و شهروندانی برای زندگی در جامعه جهانی باشند.

یادگیری خودراهبر در برگرفته سه بعد انگیزش، فراشناخت و خودتنظیمی است. افراد دارای سطوح بالای یادگیری خودراهبر، یادگیرندگان فعالی هستند که تمایل قوی برای یادگیری دارند، از مهارت‌های حل مسئله استفاده می‌کنند، توانمندی‌های لازم برای درگیری در فعالیت‌های یادگیری را دارند، از مهارت‌های حل مسئله استفاده می‌کنند، توانمندی‌های لازم برای درگیری در فعالیت‌های یادگیری را دارند و یادگیری خود را به‌طور خودمختار اداره می‌کنند. آگاهی از فرایندهای شناختی نیز به فراشناخت اشاره دارد. اگر فراگیرندگان را افرادی در نظر بگیریم که از فرایندهای شناختی خود آگاه‌اند، در یادگیری و حل مسئله اختیار و مسئولیت بیشتری به آن‌ها می‌دهیم. آن‌ها قادر خواهند بود هنگام انجام دادن فعالیت‌های شناختی پیچیده به «چه، چگونه، چه موقع، کجا و چرا یادگیری» مراجعه کنند به موارد زیر توجه داشته باشند: برنامه‌ریزی تعیین راهبرد برای رسیدن به اهداف، تعیین دانش یا منابع مورد نیاز برای دستیابی به آن، نظارت بر پیشرفت خود، ارزیابی پس از رسیدن به هدف و اتمام کار و رسیدن به هدف (نیاز آذری، ۱۳۸۲).

منابع

۱. تورانی، حیدر، دودن تا بی‌نهایت، ۴۰ نکته برای مدیریت رفتارها و ارتباط‌های فردی، اجتماعی و سازمانی، تهران، ۱۳۹۷.
۲. صبوری خسروشاهی، حبیب، آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن، فصل‌نامه مطالعات راهبردی و سیاست‌های عمومی، ۱۳۸۹، دوره ۱۵، شماره ۱.
۳. گاستون میلاله، ژان ویال، تاریخ جهانی آموزش و پرورش، جلد اول، ترجمه محمدرضا شجاع‌رضوی، ۱۳۷۱، آستان قدس، معاونت فرهنگی.
۴. منصوریان، یزدان، دانش‌نامه فارسی برنامه درسی، سواد اطلاعاتی، ۱۳۹۰.
۵. نیاز آذری، کیومرث، فراشناخت در فرایند یاددهی و یادگیری، فراشناختی اندیشه، ۱۳۸۲.

